ادامه سرمقاله

وجدان دردمند اصول‌گرایان و یک اعتراف مانده در گلو

یکی از اختلاس‌های دوران ریاست جمهوری‌اش بگوید. یکی ادبیات نه‌چندان مودبانه‌اش با جهانیان و مخالفان داخلی‌اش را به باد انتقاد بگیرد. دیگری صراحتا بگوید او را لعن می‌کند. یکی از انزوای ایران در آن دوران سخن بگوید. و شخصی دیگر ویران کردن بنیان‌های اخلاقی جامعه در دوره احمدی‌نژاد را متذکر شود.آن‌ها با این کار بخشی از عذاب وجدان خود را تسکین می‌دهند و البته فقط تسکین می‌دهند. اما باید بدانند روزی می‌توانند از کابوس احمدی‌نژاد خلاص شوند که رودر روی مردمی بایستند که احمدی‌نژاد را بر صندلی ریاست‌شان نشاندند و همه مقدرات اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌شان را به دست او سپردند و چشم در چشم آنان عذر بخواهند و ملامت مردم ایران و البته نسل‌های آینده را نیز به جان بخرند. آن زمان است که وجدان دردمند آن‌ها آرام خواهد گرفت. کلیت اصول‌گرایی یک اعتراف درگلو مانده دارد و تا زمانی که آن را به صورت رسمی و کلی – نه تک‌تک و فردی – برزبان نیاورد، از شر آن خلاص نخواهد شد.

احزاب و رجال سیاسی

سیدرضا اکرمی:

مهم‌ترین دستاوردهای دولت ثبات اقتصادی و بازگشت امید به جامعه است

آنا – رئیس شورای نهاد فرهنگی ریاست جمهوری مهم‌ترین دستاوردهای دولت را ثبات اقتصادی و بازگشت امید به جامعه عنوان کرد. حجت‌الاسلام سیدرضا اکرمی درباره اقدامات و دستاوردهای دولت یازدهم گفت: همانگونه از نامگذاری سال ۹۵ به «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» برمی‌آید، اولویت ما مسئله اقتصادی است و بعد از برجام و گشایش‌های به دست‌آمده دولت باید راهی برای بهبود هرچه سریع‌تر معضلات اقتصادی کشور پیدا کند. این نماینده سابق مجلس تأکید کرد: یکی از معضلات اصلی ما بهره‌وری پایین است. گفته می‌شود بهره‌وری در بخش دولتی روزانه سه ربع و در بخش خصوصی دو ساعت است، در حالی که ما باید از سرمایه فکری، بدنی و مالی موجود استفاده کنیم تا بهره‌وری را افزایش دهیم و بتوانیم به اقتصاد جهانی ورود پیدا کنیم. وی در پاسخ به این پرسش که دولت چه دستاوردهای قابل دفاعی در حوزه اقتصاد دارد؟ گفت: دولت یازدهم در بخش اقتصاد چند اقدام مهم و اساسی داشته است: اول آنکه ثبات اقتصادی ایجاد شده است، در حالی که در دولت قبل شاهد بودیم بی‌ثباتی اقتصادی به شدت بالا بود و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به جامعه وارد کرد. دوم، تورم از ۴۵درصد به ۱۰درصد کاهش یافته است. سوم آنکه برجام امکان سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی را فراهم ساخته و این خود اقدامی موثر در راستای بهبود وضعیت تولید و اقتصاد کشور بوده است. علاوه بر آن، برجام راه را برای افزایش صادرات نفت گشود و محدودیت‌های گذشته را که باعث شده بود فروش نفت کاهش یابد تا حد زیادی رفع شود. اکرمی افزود: گشایش‌هایی حاصل شده که وضع جامعه را هم از نطر روانی هم از نظر اقتصادی بهبود بخشیده است.

عضو حزب موتلفه:

بحث عبور از نامزدهای قبلی اصول‌گرا مطرح نیست

باشگاه‌خبرنگاران – عضو حزب مؤتلفه اسلامی گفت: بررسی نامزدهای جدید برای انتخابات سال ۹۶ از سوی اصول‌گرایان، به معنای نفی نامزدهای گذشته انتخابات ریاست جمهوری نیست. «لاله افتخاری» پیرامون اظهارنظر اخیر مصباحی مقدم مبنی بر اینکه چهره‌های قبلی اصول‌گرا امتحان‌شان را پس داده‌اند و برای انتخابات ۹۶ دنبال چهره‌های جدید هستیم، اظهار داشت: هر کسی می‌تواند اظهارنظر شخصی پیرامون انتخابات ریاست جمهوری سال آینده داشته باشد، اما تا آنجایی که بنده در جلسات اصول‌گرایان حضور داشتم، بحث عبور از شخصیت‌های قبلی اصول‌گرا مطرح نشده است. وی افزود: اصول‌گرایان در ارزیابی گزینه‌های مدنظرشان برای انتخابات سال ۹۶ باید رده رؤسای جمهور سابق و همچنین مطرح یا نیمه مطرح بودن کاندیداهای قبلی انتخابات ریاست جمهوری را مشخص و دسته‌بندی کنند و سپس پیرامون عبور یا حمایت از آنان تصمیم‌گیری شود. افتخاری با اشاره به اینکه بررسی نامزدهای جدید برای انتخابات سال ۹۶ از سوی اصول‌گرایان به معنای نفی نامزدهای گذشته انتخابات ریاست جمهوری نیست، خاطرنشان کرد: تمام گزینه‌های موردنظر از جمله شخصیت‌های قدیم اصول‌گرا و چهره‌های جدید باید در کنار هم مورد بررسی قرار گیرند.

دکتر «حیدرعلی مسعودی» کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با همدلی:

برای خاورمیانه بدون آمریکا برنامه نداریم

همدلی– حیدرعلی مسعودی، دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران و عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی است. او چندین کتاب و مقاله در حوزه مسائل بین‌المللی دارد. وی در در این گفت‌وگو به چالش‌های منطقه‌ای ایران – و مشخصاً رابطه با عربستان – پرداخته شد. مسعودی معتقد است چالش‌های منطقه‌ای ایران را باید در چارچوب کاهش نفوذ آمریکا در خاورمیانه تحلیل کرد. او برجام را نیز در همین چارچوب ارزیابی می‌کند و در پایان، پیشنهاد می‌کند که شکل پیشبرد مذاکرات برجام در مسائل منطقه‌ای نیز دنبال شود.

آقای دکتر؛ به نظر شما سیاست خارجی ایران در سال‌های آینده با چه چالش‌هایی مواجه خواهد بود؟

جمهوری اسلامی ایران با دو دسته چالش‌های منطقه‌ای و جهانی مواجه است. در موضوع چالش‌های منطقه‌ای موضوعاتی مانند تنش در روابط با عربستان، جنگ سوریه، جنگ یمن و تهدید داعش مطرح است و چالش‌های جهانی ایران موضوعاتی مانند آینده روابط با آمریکا، موانع اجرای برجام و حفظ توازن غرب و شرق هستند. در این میان، دو چالش عربستان و اجرای برجام فوری‌ترین مباحث سیاسی خارجی ما به‌حساب می‌آیند.

اول به مباحث منطقه‌ای بپردازیم. ایران و عربستان چه تصویری از یکدیگر دارند؟

از نگاه رهبران جمهوری اسلامی، رژیم آل‌سعود یک دیکتاتوری تحت حمایت آمریکاست. مردم ایران نیز پادشاهی عربستان را رژیمی عقب‌مانده و غیردموکراتیک می‌دانند. در مقابل، عربستان نیز ایران را رژیمی مبتنی بر تفکرات انحرافی و رادیکال می‌داند که سودای سرنگونی همه نظام‌های سیاسی منطقه را در سر دارد. ضمن اینکه تصور عمومی غالب در عربستان نسبت به ایران، مبتنی بر پیشینه تاریخی منازعه عرب/ عجم شکل گرفته‌است که فارس‌ها را مجوس می‌داند.

این‌ها یعنی اینکه منازعات تشدید خواهد شد؟

بله؛ که این منازعه در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت امواج آن تعیین‌کننده تحولات سیاسی و امنیتی در خاورمیانه خواهد بود. امروزه خاورمیانه در حال گذار از ثبات هژمونیک مبتنی بر خواست قدرت‌های جهانی است.

یعنی نقش قدرت‌های جهانی در خاورمیانه کاهش خواهد یافت؟ در این صورت آیا منطقه به سوی صلح حرکت خواهد کرد؟

بله؛ به‌عنوان یک روند کلّی می‌توان گفت که امور بین‌المللی در جهان، حداقل در بسیاری از مناطق استراتژیک، در حال تبدیل‌شدن به امور منطقه‌ای است؛ چیزی که تحت عنوان «منطقه‌ای‌شدن امنیت» از آن یاد می‌شود. البته خاورمیانه هنوز فاصله زیادی با منطقه‌ای‌شدن امنیت دارد و فعلاً مفهوم «توازنِ منطقه‌ای در حال گذار» بهتر می‌تواند شرایطِ خاورمیانه را توصیف کند.

چه شد که نظم پیشین خاورمیانه به‌هم خورد؟

این ناشی از سه عامل بود: سرنگونی صدام؛ کاهش مداخله مستقیم آمریکا و در نهایت تحولات بیداری اسلامی یا بهار عربی. ظهور این متغیرها منجر به موازنه‌سازی جدیدی در منطقه شد.

یعنی وقوع این سه رخداد عینی، زمینه درگیری شدید در منطقه را فراهم کرده است؟ پس نقش دیپلماسی این وسط چه می‌شود؟

کارکرد دیپلماسی این است که حتی در شرایط جنگ می‌تواند زمینه تعامل بین دو کشور را باز و آماده نگه دارد. دیپلماسی رسمی و غیررسمی ایران و عربستان می‌توانست نقش مفیدتری برای مدیریت تنش بین دو کشور بازی کند اما متأسفانه دستگاه دیپلماسی دو کشور فرصت‌ها را از دست دادند و هم برخی نیروهای سیاسی و اجتماعی در دو کشور مانع از این کار شدند.

به کاهش مداخله مستقیم آمریکا به‌عنوان یکی از علل موازنه‌سازی جدید اشاره کردید؛ با این حساب، آمریکا چه نقشی در آینده خاورمیانه خواهد داشت؟

راهبرد کنونی آمریکا در خاورمیانه «رهبری از پشت»(leading from behind) است. این بدان معناست که آمریکا به دلیل تغییر در اولویت‌های جهانی خود، دیگر تمایل چندانی برای دخالت مستقیم و تمام‌عیار در منازعات خاورمیانه ندارد. این واقعیت را اگر در کنار خلأ یک نظام مدیریت منازعات امنیتی در خاورمیانه بگذاریم، به این نتیجه می‌رسیم که آینده روشنی حداقل در کوتاه‌مدت در انتظار خاورمیانه نیست. ضمن اینکه ایران علی‌رغم اتخاذ سیاست‌های ضدآمریکایی، هیچ طرح و برنامه منسجمی برای خاورمیانهٔ بدون آمریکا ندارد.

با توجه به این موارد برجام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

حل‌وفصل مناقشه اتمی ایران این پیام را برای منطقه داشت که آمریکا در حال بازسازی و مرور سیاست‌های منطقه‌ای خود در خاورمیانه است. اگرچه خوش‌بینانه است که فکر کنیم نیروهای مخالف عادی‌سازی روابط با ایران در سیستم سیاسی آمریکا بیکار نشسته‌اند. ولی مهم این است که ما هم بتوانیم درکی از منافع ملّی خودمان در سیستم سیاسی آمریکا به‌وجود بیاوریم. متأسفانه در حال حاضر چنین ابزارهایی برای تأثیرگذاری بر روند شکل‌گیری سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در اختیار نداریم. در مقابل، عربستان و اسرائیل از نفوذ لابی‌های عربی و صهیونیستی برای تأثیرگذاری بر این روند به‌خوبی بهره می‌گیرند.

به انتخابات آمریکا بپردازیم. آیا مواضعی که ترامپ و کلینتون در سیاست خارجی اتخاذ کرده‌اند مطابق همین راهبردی است که ارائه کردید؟

مواضع ترامپ دوپهلو، ناشیانه و عوام‌پسندانه است. زمانی می‌گوید آمریکا نباید هزینه امنیت متحدان خود را بپردازد و زمانی دیگر حرف از پاره کردن برجام می‌زند. مواضع کلینتون اما انسجام بیشتری دارد. در هر حال تصور می‌کنم هر دو در چارچوب راهبرد کلّی آمریکا عمل خواهند کرد.

و این یعنی اینکه چه ترامپ بیاید چه کلینتون، برجام پابرجا خواهد ماند؟

جناح‌های سیاسی برای صورت‌بندی سیاست خارجی خود به یک سری آموزه‌های کلّی نیاز دارند که معمولاً در اسناد و متون بالادستی آن کشور مندرج است. اما افراد، احزاب و جناح‌های مختلف می‌توانند سطحی از انعطاف در آموزه‌های غیرمحوری مندرج در متون پایه‌ای ایجاد کنند. در نهایت، تغییر رویکرد دولت‌ها در ایران و آمریکا می‌تواند آینده برجام را با خطر مواجه کند، اما نمی‌توانند ضرورت‌های کلان سیاست خارجی کشورها را به‌کلّی تغییر دهند.

راه‌حل شما برای حل‌وفصل چالش‌های منطقه‌ای و جهانی ایران چیست؟

ایران چند راه دارد: اول نزدیکی به آمریکا و شرکت در ائتلاف‌های جهانی به رهبری آمریکا است که با توجه به ماهیت نظام‌های سیاسی دو کشور عملاً ممکن نیست. از آن گذشته، با توجه به شکست سیاست‌های آمریکا در سال‌های اخیر نامطلوب هم است. راه دوم در پیش گرفتن سیاستِ به‌اصطلاح مستقل در قالب ائتلاف‌های متزلزل و صوری با کشورهای درحال‌توسعه است. تجربه ریاست ایران بر گروه‌کشورهای عدم تعهد ناکارآمدی این سیاست را نیز نشان داد. راه سوم پیوستن به پیمان‌های رقیبِ آمریکا (مانند سازمان همکاری شانگهای) و همکاری با رقبایِ آمریکا مانند روسیه است. این سناریو نیز عملاً با مخالفت افکار عمومی داخلی و موانع بین‌المللی مواجه خواهد شد. در موضوع استفاده روس‌ها از پایگاه نوژه این را دیدیم. مسیر چهارم ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای در خاورمیانه بر اساس خطوط مذهبی است؛ مانند همین چیزی که در حال حاضر از سوی ایران و عربستان پیگیری می‌شود. نتیجه چنینِ وضعیتی هم که مشخص شده است و نهایتاً مسیر پنجم، تلاش برای ایجاد نظم امنیتی فراگیر با حضور همه بازیگران عمده برای کنترل و مدیریت منازعات است. به نظر من راه پنجم می‌تواند عقلانی‌ترین، بهینه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای عبور از وضعیت اسفبار کنونی باشد.

این مسیر دور از ذهن نیست؟

نه؛ اتفاقاً گزینه‌های دیگر، غیرواقع‌بینانه است. می‌شود مدل پیشبرد مذاکرات برجام را در سیاست‌های منطقه‌ای هم پیاده کرد. البته منظور من لزوماً نتیجه نهایی برجام نیست، بلکه حرف اصلی این است که در مسائل منطقه‌ای هم مانند موضوع هسته‌ای، باید یک صدای واحد از ایران شنیده شود. برجام محصول این تلقی بود که اولاً به‌جای اتکا به ساختارهای تثبیت‌شده خصومت بین دو کشور، می‌توان به نقش افراد و گروه‌های سیاسی در درون نظام‌های سیاسی توجه داشت. ثانیاً می‌توان به‌جای تسلط گفتمان امنیتی، از رویکردهای فنی و علمی برای کاهش سطح اختلافات بین کشورها بهره گرفت. روند امضای برجام نشان داد که کشورها می‌توانند با اراده سیاسی لازم حتی بر موانع ساختاری فائق آیند.

روایتی از شب آخر زندگی طالقانی

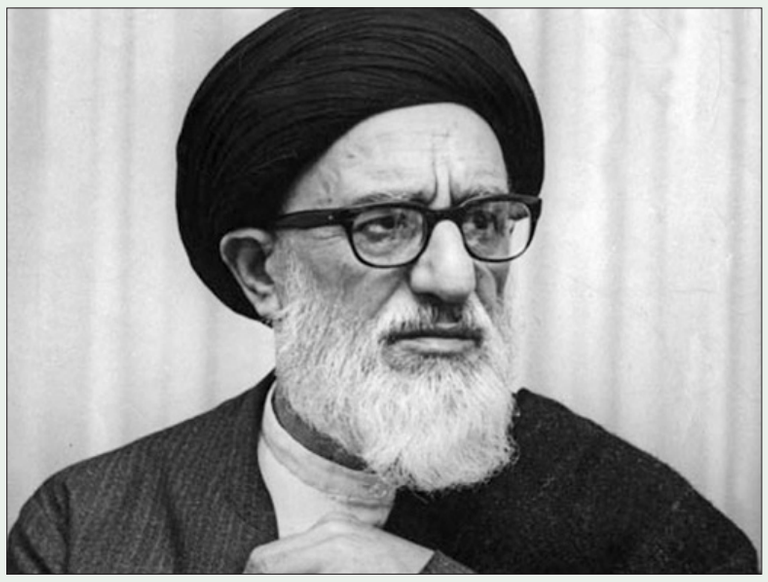

همدلی-کیاوش حافظی – وقتی چهره‌ای تاثیرگذار در عالم سیاست بار سفر از جهان خاکی می‌بندند، دوستدارانش در هجر او، از رویارویی محبوب خود با وقایع سیاسی می‌گویند که نسل‌های بعدی در مواجهه با آن‌ها تنها مانده‌اند. شریعتی، چمران، طالقانی، بهشتی، مطهری و... همه در این دسته می‌گنجند. چمران علاوه بر چهره‌ای انقلابی و مذهبی‌اش چهره‌ای دینی داشت که او را از هم‌نسلان خود متقاوت ساخته بود که حضورش در دهه‌های بعدی انقلاب باعث خدمات روزافزون او می‌شد اما جبهه‌های جنگ او را به سر منزل مقصود خود رساند. بهشتی و مطهری متفکران انقلابی بودند که انقلاب را تئوریزه کرده بودند و اهتمام خود را برای پیرایش تفکر مذهبی نشان دادند، اما اقدامات تروریستی فرقان و منافقین جامعه‌ای را از آنها محروم کرد. در کنار این نام‌ها، افرادی مانند شریعتی و طالقانی بودند که نه با ترور و نه در میدان جنگ پر کشیدند. تاریخ می‌گوید آنها به صورت طبیعی از دنیا رفته‌اند. اما کماکان درباره هرکدام از آنها بحث‌هایی مطرح می‌شود که مرگ آنها را ابهام‌آمیز می‌داند.

شریعتی و طالقانی غایبان دهه شصت

شریعتی در سال۵۶ پس از آنکه پایش به انگلستان باز شد، درگذشت. از آزادی از او از زندان در سال ۵۳ زندگی‌اش پر از محدودیت‌هایی شده بود که از سوی ساواک اعمال می‌شد. او که ممنوع‌الخروج شده بود، تصمیم می‌گیرد با نام علی مزینانی از کشور خارج شود. فرودگاه آخرین مکانی است که خاطره از شریعتی دارد. مرگ شریعتی به این دلیل مشکوک عنوان می‌شود که او فقط ۴۴ سال سن داشت. او هیچ‌گاه انقلابی را که برایش ایدئولوژی دینی تعریف کرده بود، ندید.

اما مرحوم طالقانی زمانی که در شهریور ماه سال ۵۸ درگذشت ۶۹ساله بود. او پیش از انقلاب ۱۰بار به زندان رفته بود و در هفت ماه پس از انقلاب به صورت جدی فعالیت می‌کرد. او که خطیب نماز جمعه تهران بود آخرین خطبه‌اش را سه روز پیش از سفر ابدی خود خواند و بر مسئله شورا تاکید و به توجه نکردن به آن انتقاد کرد. او گفت: «یعنی گروه‌هایی و افرادی دست‌اندرکار شاید این‌طور تشخیص بدهند که اگر شورا باشد دیگر ما چه کاره‌ایم؟ شما هیچ! بروید دنبال کارتان! بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند. این مردمند که کشته دادند. این‌هایی که این‌جا خوابیدند از همین توده‌های جنوب شهر بودند.» هرچند طالقانی هفت ماه در فضای آزادی بعد از انقلاب زندگی کرد، اما فوتش در شهریور ۵۸ نگذاشت چشمانش جنگ تحمیلی را ببیند. هیچ کدام دوران آغاز جنگ را ندیدند.

تشکیک به مرگ «پدر طالقانی»

در گفت‌وگوی چند روز گذشته مهدی و طاهره فرزندان آیت‌الله طالقانی با خبرآنلاین آنها از تشکیک خود نسبت به مرگ پدر سخن گفتند. مهدی طالقانی می‌گوید: «تا زمانی که آقا زنده بود کسی جرأت نمی‌کرد به او هجمه کند. آقا یک بحثی درباره حجاب کرد، فردای آن صحبت، امام گفت «نظر من همان است که آقای طالقانی گفت» فقط امام می‌توانست این کار را انجام دهد که امام هم معمولا حرف‌های مرحوم طالقانی را تأیید می‌کرد. بعد از فوت آقا یک عده واقعا هم حسادت و هم کینه نسبت به طالقانی داشتند. طالقانی بحثش این بود که روحانیت به جای اشغال مشاغل بهتر است برود در مسجد آدم‌سازی کند. اینها فکر می‌کردند تا زمانی که طالقانی است در مصدر امور قرار نمی‌گیرند، بنابراین طالقانی نباشد به نفع‌شان است. همین‌جاست که فوت آقا را برای شخص من مشکوک می‌کند.» طاهره طالقانی نیز می‌گوید: البته برای همه فرزندان آقا فوت ایشان مشکوک بود.

روایت جعفری از مرگ آیت‌الله طالقانی

اما محمدمهدی جعفری، از یاران آیت‌الله طالقانی که در تدوین پرتویی از قرآن با او همکاری کرده است، نظر دیگری دارد. او در گفت‌وگو با همدلی شب فوت طالقانی را چنین روایت می‌کند: آیت‌الله طالقانی بیماری‌های مختلفی داشت. فعالیت‌های اجتماعی ایشان هم زیاد بود. آن شب ایشان بعد از سه روز فعالیت شدید به منزل آمدند. آقای مجتهد شبستری و دکتر گلزاده غفوری می‌خواستند در کنفرانس اسلامی تاجیکستان شرکت کنند. سفیر شوروی به منزل آیت‌الله طالقانی آمده بود. جلسه تا ساعت ۱۲طول کشید. وقتی مهمانان رفتند، آیت‌الله طالقانی می‌گوید مقداری سرما خورده‌ام. بعد هم صاحب خانه چنین می‌گوید صدای خروپف می‌آمد، برای همین به ایشان سر زدند. او دیده بود که آیت‌الله طالقانی بد خوابیده‌اند. او دوباره که به ایشان سرزد مشاهده کرد که آیت‌الله طالقانی بیدار نمی‌شود. جعفری تشکیک‌ها را به خاطر قطع بودن دو روزه تلفن می‌داند و می‌گوید وقتی دکتر به بالین آیت‌الله طالقانی آمد گفت ایشان ۴۵ دقیقه پیش تمام کرده‌اند.

نشانه‌هایی از مرگ مشترک شریعتی و طالقانی

محمد مهدی جعفری در ادامه می‌گوید:«در اصفهان فردی به نام دهقانی مرتد شده بود و بعد از اینکه به مسیحیت گرایش پیدا کرد، کشیش شد. او که به جرم جاسوسی برای انگلیس محاکمه می‌شد در پرونده‌اش از ماده‌ای سخن گفته بود که انگلیسی‌ها با آن توتون سیگار را آغشته می‌کنند. به گفته او فرد بعد از استعمال آن بعد از ۴۸ساعت دچار سکته قلبی می‌شود.» جعفری ادامه می‌دهد که «نشانه‌هایی که او داده بود هم به مرگ دکتر شریعتی می‌خورد و هم به مرگ آیت‌الله طالقانی.»

آیت‌الله طالقانی سیگارش را خودش می‌پیچید

جعفری در ادامه نظر شخصی خود را مطرح می‌کند و می‌گوید: ممکن است درباره دکتر شریعتی چنین چیزی صحت داشته باشد، اما درباره آیت‌الله طالقانی صحیح نیست. چون دکتر شریعتی سیگار فراوانی می‌کشید و از هرجایی که سیگار به دستش می‌رسید می‌کشید. اما آیت‌الله طالقانی یک قوطی داشت که توتونش را در آن می‌ریخت. کاغذی به اندازه سیگارهای قدیمی «هما» داشت و خودش سیگارش را می‌پیچید و داخل چوب سیگار قرار می‌داد و می‌کشید. این قوطی دست کسی نبود که بتواند آن را آغشته کند

صبر کنید، انشاءالله مشخص می‌شود

اما اعظم طالقانی دختر دیگر آیت‌الله طالقانی حاضر نشد درباره مرگ پدرش صحبت کند. او سوال ما را کوتاه دانست، اما گفت که پاسخش خیلی بزرگ است. او به این جمله بسنده کرد که «صبر کنید انشاءالله مشخص می‌شود.»

انعکاس

انتخابات ایران در رسانه‌های آمریکا
احمدی‌نژاد تندروها را متحد می‌کند

رسانه‌های آمریکایی در تحلیل احتمالات موجود در انتخابات آتی ایران گفته‌اند ابتدا به نظر می‌رسید احمدی‌نژاد هرگز به سیاست برنگردد، اما برنامه او برای احداث دانشگاه با شکست مواجه شد و در این شرایط احتمالا او مهم‌ترین رقیب روحانی در انتخابات آتی خواهد بود.

به گزارش ایلنا، موسسه گیت‌استون آمریکا که به طور ویژه مسائل دفاعی و استراتژیک را مورد توجه قرار می‌دهد، در خصوص احتمال کاندیداتوری محمود احمدی‌نژاد در رقابت‌های انتخاباتی سال آینده ایران گمانه‌زنی‌های متفاوت را مورد بررسی قرار داد و در گزارش خود در توصیف رئیس‌جمهور سابق ایران نوشت: «او گفته که می‌خواهد «ایده‌آل‌های انقلابی» تعریف شده توسط رهبر ایران در سال ۱۹۷۹ در انقلاب اسلامی را بازتعریف کند. او این صحبت را در آستانه راه‌اندازی ستاد انتخاباتی‌اش برای انتخابات سال ۲۰۱۷ زده است.

احمدی‌نژاد به سخنرانی‌های آتشین و تحریک‌آمیز معروف است و در پایان دوره ریاست جمهوری از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ سطح مقبولیت او به شدت پایین آمد. او اولین رئیس جمهوری ایران از زمان انقلاب اسلامی ایران بوده است که برای فعالیت‌ها و سیاست‌هایش به مجلس کشانده شد.

علاوه بر اینها یکی از رایج‌ترین مفاهیم بین سیاستمداران، محققان و تحلیلگرایان سیاسی این بوده که احمدی‌نژاد هرگز به سیاست برنمی‌گردد.

به نظر می‌رسد برنامه او برای دوران بازنشستگی‌اش تمرکز بر احداث دانشگاه جدید و تدریس بود اما برنامه او برای احداث دانشگاه شکست خورد.

این گزارش با تاکید بر اینکه که علی‌رغم محبوبیت اندک او میان مردم، اصول‌گرایان افراطی از او حمایت می‌کنند، نوشته است: به نظر می‌رسد احمدی‌نژاد علاقه‌ای برای بازگشت به سیاست بعد از خروجش از زیر نورافکن‌های بین‌المللی در دو سال گذشته نداشته باشد، اما فاکتورهای دیگر نشان می‌دهد که او هیچگاه حقیقتا سیاست را ترک نکرده است. از لحاظ داخلی احمدی‌نژاد همچنان از لحاظ سیاسی فعال بوده و تلاش کرده تندروها را متحد و رهبری کند. از زمانی که دوران ریاست جمهوری او به پایان رسیده او دیدارهایش را با وزرای سابقش در تهران حفظ کرده است.

در ماه‌های اخیر او تصمیم گرفت ستاد انتخاباتی‌اش را راه‌اندازی کند و همین امر مجددا توجه نورافکن‌های بین‌المللی را به خود جلب کرد. نامه احمدی‌نژاد به اوباما بار دیگر او را در اخبار بین‌المللی مطرح کرد.

احمدی‌نژاد برای جلب رای عمومی در انتخابات سال ۲۰۱۷ بر روی جذب آرا از طریق سفر به شهرها و روستاهای کوچک تمرکز کرده و حامیانش خواستار بازگشت او هستند

در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، سیستم پرداخت یارانه‌ها را به میزان ۱۷ دلار در ماه آغاز شد و در همین راستا یارانه‌های گاز و بنزین و برق را حذف کرد. این مورد به علاوه انتقادهای او از فسادها و بی‌عدالتی‌ها و کاپیتالیسم، او را برای طبقه کم‌بضاعت جذاب کرده است.احمدی‌نژاد همچنین انتقادهای شدیدی علیه حسن روحانی ابراز داشته و در مورد سیاست خارجی و سیاست‌های اقتصادی او سوالاتی را مطرح کرده است.

در آخرین نظرسنجی دانشگاه مریلند آمریکا، احمدی‌نژاد بزرگترین تهدید برای انتخاب مجدد روحانی به شمار می‌رود و به نظر می‌رسد او دوباره مهم‌ترین رقیب روحانی باشد که این مسئله دلایل مختلفی دارد:

اول اینکه توافق هسته‌ای مهم‌ترین معضل در میان تندروهای ایران است. قسمتی از نیروهای سیاسی ایران به طور شفاهی از توافق هسته‌ای انتقاد می‌کنند. آنها از تعامل مجدد سیاسی و دیپلماتیک با آمریکا می‌ترسند و امروز نیز آنها به هدفشان در خصوص برداشته شدن چهار تحریم اساسی شورای امنیت رسیده‌اند.رهبر ایران نسبت به روابط با آمریکا هشدار داده و در مورد فواید توافق هسته‌ای در اقتصاد مردم ایران سوالاتی را مطرح می‌کند و گفته اگر واقعا تحریم‌ها برداشته شده، چرا مردم این را در زندگی‌هایشان احساس نمی‌کنند، چراکه لغو تحریم‌ها پس از شش‌ماه باید نشانه‌های روشنی در زندگی مردم عادی می‌داشت.

دوم اینکه محبوبیت توافق هسته‌ای نیز روز به روز در بین مردم کاهش می‌یابد. بعد از توافق هسته‌ای نظرسنجی‌ها نشان می‌داد ۶۳درصد مردم ایران به بهبود وضع اقتصادی و استانداردهای زندگی در سال آینده امیدوارند اما امروز نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که ۷۴درصد مردم بر این باورند که وضع اقتصادی تا سال آینده تغییری نخواهد کرد.

با این وصف احمدی‌نژاد یک رقیب جدی برای روحانی به شمار می‌رود و به نظر می‌رسد او گزینه محتملی باشد چرا که او توسط تندروها و اصولگرایان حمایت می‌شود.